











# حقیقت

دیوید سرکارش را.....

رزیم بنا به ضرورتی بداری "بدبختیست به فقط او بلکه ما هم جناح مدکار رگری شورا در میان جمع کنیگر کارگرگران کارخانه بدست کوشیده است. در میان مجمع آئین نامه تدوین شده که بسیار مترقی بیریودخواه شده و مورد تأیید کارگران بیریور گرفت .

رور بعد از اس و اصد... دوشنبه ۲۹ بهمن سر و کله حاج علی خسروناهی پیدا نمود. حاج علی حدود ۲۰ رور بود که به کارخانه با نیکداسه بود، یعنی از ابتدای این مبارزه شستن خردار شده بود که هوا پس است و از برای داد ساسی انقلاب بربمان گرفته بود که ما می جانی بدارد. او در این رور برای جلسه با بعضی مدیران بکارخانه می آید. در این هنگام تعدادی ارکارگران مبارزه مستند را روستاری و لوازم آراشی به دفتر او میروند و خواهش های کارگران را مطرح می سازند و میگویند ما نمیگذاشتیم خواسته ها بدین فرم نمودن بمان حقی خروج ارکارخانه را ندارد. اس حشر سرعت در کارخانه یعنی نمودن مانع از برای این میبود که کارگران در کمیته باقی بمانند و در صورت حمل کمیته ها به کارخانه بپروان بریرند.

با گروگان گرفته شدن خسرو شاه و اسفند رکارگران در دسترس او یکی ارکارگران بدبختیست که یکی طرف ۲۵۰۰ کارگر خواهش های ربر را اربلندگوی کارخانه اعلام میدارد : ۱ - پرداخت سود و بزه ۴ ماهه آخر سال ۵۸ - ۲ - پرداخت عیدی معادل کارکنان دولت . ۳ - پرداخت ۱۱ میلیون تومان باقی مانده از سود ویژه سال ۵۷. و پس اعلام کرد "ما زمانی که خسروناهی با این خواهشها موافقت نکند، حق خروج ارکارخانه را ندارد". سخنان اس کارگر مورد پشتیبانی بدیده همه کارگران سرشار گرفت و بلاتنا طلبه عدل را آن آرایشیکه میدادند با انجام اینکار روادیک مبارزه رویا روی با سرمایه داران و ارگانهای احرایش آنها شده است. انتظامات کارخانه را خود بیفهمیده گرفته و منتظر بیدار شدن سر و کله کمیته ها و مقامات وزارت مدکار رگری و غیره شدند. انتظار کارگران بسیار طول

نکند و بعد از آن بیست رور سما شده ای اروار با کارمندان و میگوید " من حیرت داده اند که اختلاف کوچکی موجود آمده که کارگران در خواب میگویند " اختلاف کارگر و کارفرما حشری است" و خلاصه صحبت های او به کارگران و پس دفاع مستقیم از حاج علی تا بیری بر روحه کارگران نمیکند. روظرف محل را ترک نمیکند.

حاج علی نسبت به تحریکات و سوطه های عواملش... دل بسته بود. عوامل حاج علی سردار انجام اس تحریکات هج گوناگونی شده در میان کارگران مسلح منگردد که کارگران مستعد در دفاع علی کمونست هستند.

بعد از او و همکاران است کمنه جی ها مرسد که توسط کارگران اروود آنها بکارخانه طلوکبری میبود و پس از گذاشتن سلاح هایمان در سرور کارخانه و غیر مسلح اجازه ورود به کارخانه را ارکارگران منگردد. اسها هم پس از رفتن سر و کله شدن با کارگران بجهاد ای نگریده و کارخانه را ترک نمیکند. بدین ترتیب رور اول مبارزه بیژمانانه کارگران دلبر میبویسه پایان میرسد.

رور بعد یعنی به سسه ۳۰ بهمن دیگر حشر این مبارزه را رها رخصوب کارخانه بیرون آمده و در همه جا سخن داده است. آغا رسیبیا سپاهی کسزده کارگران کارخانه ب دیگر و مخصوص گروه صحنی نارس منومیا شد. سببایی از طرف کارگران و کارمندان سرکنهای وابسته که گروه صحنی بارس بیوادا مه منیاسد و در مجموع ۶۰۰۰ کارگر و کارمندان این اقدام پشتیبانی میکنند. در درون کارخانه کارگران نگذیرند که کار کردن و بجا بماندن بولند و سوسی می کنند، تا بلکه سوطه های سرمایه داران را در نیمت رسی به کارگران عظیم سازند.

بعد از گذشت اس بکر و راجح علی هوریمس بداده و میگوید "اگر می خواهد همین الان امضاء می کنم که

سی صدر طبق معمول اولسناور، و احظار سده که اگر اساعت ۴ بعد از ظهر خسروناهی آراد نمود، حسن و جان خواهند کرد و حسی بدند که برای آراد خسروناهی ارهلی گوسر سراسخا ده کنند.

کارخانه ملی شده است. اما بول بر داخل عدی، سود و غیره را بنگا و فیل اربعدارم، که ما عدنا مورد محالفت کارگران فرا میگیره. حاج علی بدست به تحریکات و توتله های عواملش که در دفترها انگلی سین کارگران بد طولانی دارند دل بسته بود و امیدوار بود در بیارود با تحریکات

انسان کارگران قسمیهای مختلف با رد بکر مسائل بکدی بکری را رگیرند و سالها طی فراموشی بود. البته عوا مل حاج علی سردار انجام اس تحریکات هج گوناگونی شده و در میان کارگران مسلح منگردد که کارگران مستعد در دفاع علی کمونست هستند. بدین حال اس جریانات بود که بیلنگوا غلام کسزدر از

حاج علی نسبت به تحریکات و سوطه های عواملش... دل بسته بود. عوامل حاج علی سردار انجام اس تحریکات هج گوناگونی شده در میان کارگران مسلح منگردد که کارگران مستعد در دفاع علی کمونست هستند.

خروج رضا موسی راده طلوکبری بود و او سر به جمع کروگانها افتاده است و همجنس در انصای سوطه ها برای کارگران توضیح داده اند که چگونه خود و روحگانی ربر لوائ اسلام و مسلمانان به کارگران مستعد در دفاع حاج علی مبارزه و سورا انقلاب بیریگات کرده اند. اس اصاگری ها سوطه های عوامل خسروناهی را عظیم میسازد.

سب همکاران را در بکر سر و کله کمیته جی ها پیدا میبود و اینبار ار کمیته مرکز میسازند. اما اسار کارگران مسود ر مبارزه انجمن اتحادی بمان داده اند که کمیته جی ها جرم صحت کارگران بارس سرمایه که اس صحبت ها هم با بیریخواه شده و محوره ترک کارخانه میسوزند و فرار میسوزند برای آرزو، چهار سینه اول اسفند، بیکسار سورا انقلاب شده کارخانه آمده و به ساله رسیدگی کند که از اوحسری نمسود.

بدین ترتیب مبارزه کارگران دلبر میسوس رسه و سببایی کارگران کارخانه ب دیگر اران اس بیداران دلور بمان ادا می نمایند. بقطعه صف اس مبارزه مهم در اسست که کارگران میسور با خواهان حسن اس حیر در میان کارگران کارخانه های دیگر سبب و مسخواه اند اس

سی صدر طبق معمول اولسناور، و احظار سده که اگر اساعت ۴ بعد از ظهر خسروناهی آراد نمود، حسن و جان خواهند کرد و حسی بدند که برای آراد خسروناهی ارهلی گوسر سراسخا ده کنند.

مبارزه ناطع و بدیدر با طلب منمو آرای بس برسد، در صورتیکه اس رفقا در تحریه مبارزاتی بمان نایند بهر بداند که سرمایه داران و عوا ملسان بهر حال سلبعات منمو خود را انجام داده و انواع سرحب ها را به کارگران خواهند در دستیا راه عظیم گذاردن این سلبعات اسست که

فعالانه خسروناهی این مبارزه را به تمام کارخانجات بربسانند. خصوصاً آنجا شکوه خواهش های کارگران منمو محصر باین کارخانه شده و اکثریت کارخانجات در بگیری مبارزه بر سر همین مسائل هستند چنین مبارزه ناطعی میسوزد و میسوزند تا بربسیا رهیمی بر مجموعه کارگران داسه باشد. بکسده بگیری که کارگران آگاه منومیا حتی در نظر داسه با سدا سست که حرکت نکند رجه و وحش فابل بوجه کارگران سیاسی اس سوه را بوجود آورده که امکان بفرقه افکشی از طرف عوامل سرمایه داران و با سراسر کارگران مسسعی ندابیم. حسن کاری عطلی اسست و نمونه های زیادی برای آن وجود دارد که اگر بخواهم مفاسد های سرد بکر کرده با سبب با سدا ر تحریه مبارزه دلبرانه کارگران کس و پس با سبب که مبارزه با ناطع طبیعت انقلابی و وحدت نکند رجه کارگران در اسدا کمینار مبارزه و وحدت کارگران مسسوزد اما اس وحدت در ادا شده مبارزه با سدا رور اول باقی نماند. برای طلوکبری ار بکر ر حسن اسری در این مبارزه تلاش کند تا کس حشر در اس زمینه از طریق رابط ها و سلبعات و صحبت های بی در بربسند. های اس بفرقه انگلی ها در ده اس کارگران حک بود.

مبارزه و با قساره کارگران بالا منگردد و قسار دولت ورش حشور و کمیته ها و با سداران و "سورای انقلاب" برببمجنس. کارخانه به محاصره با سداران مسلح و کمیته ها و جمعی بدست ها در مآند. بی صدر طبق معمول "السماروم" و "احظار" میدهند که اگر تا ساعت ۴ بعد از ظهر خسروناهی آراد نمود، حسن و جان خواهند کرد و حسی دسور میدهند که برای آراد خسروناهی ارهلی کوپسیر بربسانده کنند. کارگران بر خواهش های به خفگی بمان با قساری منگردد و یک قدم عقب سببایی را سبر و اسدارند. کار در کارگری آماده دفاع ارکارخانه است و با سداران و کمیته جی ها حشارت حمله به کارگران را سدارند. بقطر مسلسل ها و چماق ها و بقطر سبب گره کرده کارگران سید احمد آئی حصبی بفرهاری ارکارگران اعلام موضع میکنند و اخطار میکنند که کسی حق تعرض به کارگران را ندارد مبارزه ادا می نمایند و لاخره اتحاد کارگران، "سورای انقلاب" ورشس. جمهور و انادی آسبارا به عقب سببایی و امیدارد. کارگران به همه خواهش های خود میرسد و حک سفیدی سبب بقعه در حجت

# حقیقت



## عکس‌هایی از مراسم تشییع شهید

## قهرمان گانگوریا مدرسی

یادش همیشه پیرمان .....

ورنا مدرسی بود. رهبری ورنا مدرسی در روز سه شنبه ۵۸/۱۲/۳۰ تا جایی که پیرمانان به خوس به نسبت خاک گذارده رفتن در سنگر حیات سوسی نخبه بهمن خاطر سر بر باد و با من به سرور یک شهیدان در بارح مبارک آن خطبه کرده و تمام طیفهای ایران دست گرفته اند. از استیلاهای نامهای رسیده. منجمله نام ما خوانده شهید پیرمان صورت مردم پیرمان سید محمد می. بودند و اینست که پیرمان نخبه بودند. حتی صورت منگنود. پس از ۲۰ مهر بر در این نظر هرات عظیم سرگت بی سنا شدند و این حکومت نمودن سرور اوس. با ساداران مردمی و جانهای



درود بر کارگران دلیر.....  
سود و بهره و عیدی دریافت میکنند با  
صنایع بر سود در سوا فو با همه مشخصا  
تندیس میکنند که هنر کن حی احراج  
هیچ کارگری را از این کارخانه  
ندارد. خسروماهی بحال الحفظ به  
اویس مستقل می سودا سبب به  
اسها ماسی که کارگران وارد کرده اند  
رسدگی بود.

تدین بر سبب یکی از مداررات  
ارزنده کارگران با موقعیت حاسمه  
عی باید و کارگران مبارزمی  
ببروری خویش را جس منگیرند و اتحاد  
و پیوستگی مان برای مباررات آسی  
مدحیدان مسود. و چنین است که  
منازعه ای شکل میگیرد، تکامل میکند  
و سه ببروری سردست می یابد.  
درود بر کارگران مبارزمی

ار طریق سدیکا بگیرد. و هر وقت هم  
بروره نما می شود از دولت بخواهد که  
حقوی بیگاری بدهد. البته ما شعار  
رسمی بدن را در سرگنمان به جلو  
گذاشته ایم و ای قری میکند. معنی -  
اس ایست که دولت ما را به استخدام  
همینگی و رسمی در آورد یعنی ما دیگر  
سرورهای بنامیم. مثل کارگران  
صنعت نفت، که اس باید مطالعه و  
بررسی بود.

منازعه ما کارگران صنایع فولاد  
نحی از مبارزه سراسری تمام کارگران  
ایران است. شعار ما یعنی قطع دست  
سماکار ریهای امیرالینسی شعار  
همه مردم ایران علیه امیرالینسیم  
چهار حوار است که بدون یک به همراهی  
کارگران و مردم رنجگین با قطع ریشه  
امیرالینسیم و جان میان آن ادا شده  
می یابد.

سماکار ریهای امیرالینسی  
با ندر حشده بود  
کارگرمایی رسمی با ندر کرده  
مرگ سرامیرالینسیم آمریکا  
حاشا  
عده ای از کارگران صنایع فولاد -  
هواداران اتحادیه کمونسهای ایران  
\*

و داداران و با خواهی و بنا برای خود و جدهای حرسده و خدمتی مجلس را  
اسعال بنامند. تجزیه گمانه گدسه بنان دادگاه از این طریق ما به هتکدام  
ارخواستهای رفاهی و سیاسی خویش برسند و بخواهیم رسد با ندر که با اتحاد  
و همسنگی خویش دست در دست هم با مبارزه علیه امیرالینسیم. بخصوص امیر -  
الینسیم آمریکا با حاشا ن دارد. سخویان دلیر اسعال کننده لانه حاشوسی  
آمریکا و تراردادن خواستهای بحق خود ما سدرسی بدن. ۲۰ ساعت کار در  
هفته. نکل سوزای واقعی، سارسنگی و غیره مبارزه را ادا نموده ام و از  
دل جنس مبارزه است که ما بنده گان واقعی خود را خواهیم ساخت و آسپا را  
به سرور و با سدیگای جدید منورسیم. کارگرمایی گداهل سارس بوده و سوزای  
بند آوردن خواستهای سیاسی و تصادی ما لایق کنید.  
سحد و سلیم ، سکار با آمریکا  
سپارس ، سسلیم  
خواست رسمی بدن ، خواست حقه ما است  
عده ای از کارگران با افکار  
\*

جود و سوس ، و ارجاح و امیرالینسیم  
مرنگا ، حواهان گرمین اسعام خون  
سین عهد و دیگر شهدا منسوند. و بدین  
بروت سیدخ، اسین در سرف و مسبارزه  
هدیقا هراسی عظیم در خطیبیل از  
پیرمانی سید منگردد که در راه دفاع  
رسا وردهای اسفلاب و مسبارزه  
سرور منسحق کرد، سبب افراد رس  
اسسه ، با ساداران مردم و روحانهای  
بود و سوس خویش سوس رنجده بود.  
در گورستان سپرس ارجح بود.  
دن ساردهای خلائی ، سحرانی  
خلائی ارجح "سنگیلات سبم شده -  
های رنجگینان" صورت میگیرند و  
سوده های وسیع مردم سراسر اادای  
احترامات کم نظیری در مقابل سسر  
رسمی ورنا ، سسر سراسر اردگر شهیدان  
سوره شهدان احر حجت کارگران  
جمع نموده و آران سرحطیبیل  
نمودند.  
مادر آسده سرحمه سحرانی  
ارادنده رطرب "سنگیلات سبم شده -  
های رنجگینان" را خواهیم سوس.  
یاد شهید پیرمان  
ورنا مدرسی  
خاودان سساد

# در کارخانه چیت ممتاز چه می گذرد؟

دست دردها و مردورها که برفری افراد آگا هوبیدا رگوبندس وما هر رور در همه حاسا هدم که چنن میکسد . بفره انداری ماسن کارگران قدیم و جدید ، ترساندن کارگران محتاج ار اجراج ، روبروی هم قرار دادن دسته های مختلف کارگران بوسله امتنا زاب کوچک ویا حریکه برای یک دسته فائل میشوید ، ارعاب و نهیدید و ایجاد محط وحو وحت وچاسوسی ، صد کارگر و خرابکار حوا بدن عناصر مبارزو طرفدار کارگر جموعه کارهای ارجاعی است که هر دو با ندبا جراد در آورده اند .

با ایحال جوکارخانه ، ماسد کار خابجابت دیگر ، به سرعت یا کوچکسریب افناگری ویا رگوبکردن حقایق ، محطی انقلابی و مملو از شور و هیجان میگردد و ایجاست که فغان سیروهای مبتکل وراهگشا و آگا هی ده بررگترین صریهها را به حبش کارگری ما وارد میسارند . مدسپاست که خود کارگر بم و در سبوندی سردیک با کارگران کار میکسد . در ریدکی منگسم ، ولی سعوس اینکه ، در آحا شکسه با زهمکاری و وحدت امکان همسوندن و یکسان شدن ارهراهای دیگر بیشترن میشود ، دست بدست هم داده و بدور ار غرض و مرض و تکروه گراشی وظایف عاجل و ضروری را اربین پای خود برداریم ، ختم دوحده ایم به بالا که چه وفادان "با وحدت" سرخواهد داد .

رفقا! با بدحرکت ما در عمل سرکی برای حسن سیار آورد ، ما شکسه ضرورتش را و بچمان انداره هولنس را حن منگسم خرا اندم به سنن سگداریم ؟ دعوا ی این دویا سسد در درون کارخانه هر روز با لامیگر فرت ، هر سگ دست طرف مقابل را با سد و اعساکری رومیکرد ، سواری فلایی و حتملی بخاطر حوا نگوبسوند به حواسه های حق کارگران و بخاطر روس شدن دردی ها و احاقاب و ستمهای که فائل بود و رور برور رسوا میسند . کارگران با ساعنی که اربا بدرعیت و سرکا ، ارتدسه دانسد ، سوسه های او را قبول نکرده و اربا بدن مسفر سوسند ، سه سیه ۲۳ سیم ماه -

بسمال اطلاعیه داد و کار رسیری با امضاء ناظر داده میشی  
صد در صفحه ۱۲

که اول سرسده سوسند و چون موش به سوراخ ها بنان فرورسه بودند ، دیدند خیرکسی با ایسپا کاری ندارد و میدان برای ترک کاری آماده است و رعبست حددم سربیک درد فائله است و همکار ، سن ایسپا هم یواش یواش وارد میدان شدند ، رما رعیت ، رشنس سدیسکای طا عوثی ، اکراکری معسا و ناو ، ماشاء اله کاشانکی رئیس هیئت مدیره فروشگاه تعاونی و حددمز دور و خاش دیگر به همدستی عده ای کارگر فریب حورده وارد میدان رعایت برای دزدیدن و جاپیدن شدند .

حندما هی است که کارخانه تبدیل شده به میدان رقابت دویا سدن ارتجاعی نورائی ها و سدیکائی ها . گوا اینکه رباست تورا سعده کارگر تدبمی بنام مانعبان میباشد گسه کارگریست محافظه کار ولی با حسن شهرت در میان قدیمیها ، ولی طراحان و گردانندگان اصلی سورا مقدم در دو همدستی احمدی رشنس سب و معزول سورا میباشند ، طراحان و رهبران مانند دیگر موسوم به سدیکائی ها ، عارتسد ار رما رعیت ، اکراکری ، سچرام کارمائی و عده ای دیگر ، اس دویا سدن بعلت ظوا هر عوا مفرسنا انکه محمود میگرفسد تواسسته بود سد هر یک اقلیمی را به دنبال خود بکسد ، ولی اکثر کارگران مخالف هر دو با سد سوسده و بارها سفا رهای "به رعیت به سورا" و "سورای واقعی ایجاد سدن کردد" را در کارخانه سرداده سوسند .

سروهای انقلابی و کارگران آگاه و خاظر سراکندگی و سداسن طرح و ربنا مه محص برای سدن ار کردن و آگاه کردن کارگران نسبت به واقعیت های آنکا رویش برده و همحسین اسفاده سمودن ار حوهای آماده و انقلابی ای که بوی حود میآمد ، عملا مرتب فاعسه را سنا حسد ، دویا سدن درد و ارباعنی گاهی به حطر آگاهی سوده ها و وجود سروهای ضرری سی سرده و در سسد صاحب و صاحب سایدنگر سرتآ مدسد و بارها و بارها کارگران مبارز را جریم احلالگر و صد انقلابی اخراج کرده و تحویل کمینه ها دادند ، و در اس سن نفس کمینه هم معلوم سوسود ، کمینه مثل کلانریسپا ویا سگا هیای زاندارد صری و ادارات ساواک ، جماعی اسدن

کنیف و مردورها به آسپا را خوسوت میسنا سدن . با سبسی ، صاحب کارخانه چیت ممتاز ، یکی ار کارگران امیریا - نسیم در بین مملکت بود ، اس عسسر کنیف یک سرما په دارواسسه است ، او با همدستی آمریکا خون این ملسرا میسکند و بس از اینکه خون سک نکاری سیمی برای خود برسد است ، ارجاری تجاری وضعی ویا سکی سیم بررک سر راه ارباب خو خوارس میدا ، یاسینی در کارخانه سوجه هائی داس که تحب برمان او بوده و سقه های کنیفس را عملی میگردند ، ار ما سبکه جوا انقلابی حامعه ما شروع به اوج کرنس نمود ، یاسینی ها که نامهای سردا رسد و هوا رایس دیده سوسند ، با سفا رگذا سسد نا با سول ها شیکه در با سگه های اربا با سنان با ماسبت سیرده سوسند ، به ریدگی مفرورسان ادا مد سهد ، اداره امور مملکت دست کسی اساده که ان رور اول شروع گردسده سوردن به کارگران ، که چه میحو اند ؟ انقلاب سحام سد ، بروید و سربزیرگا رکنید ، گاه آنها را به گرم سیره ای سبیه کردد و در حالیکه میلیونها کارگر بوسله در هم ربجنگی اقتضا دوسعت واسته ، سکا ره سسد و خود خا سوده سنان در خطر گرسگی قرار دارند ، در مقابل مطالبات واسطرات سحو آنها را صد انقلابی و احلالگر حطاب کردد ، این بس بسود ، خو خواران و خاب سنان فراری را به شرط و شروطی فلایی دعوب کردد که سرگردسده مملکت و کارخانه سنا سنان را اداره کسد !

یاسینی فرار کردد بود ، دولت سحامه ما مالاخترا خود را با ما مقدم به کارخانه چیت ممام میفرسد ، اس سحاصل اول سنا خود را سکل مندهد ، طبق افنا گریسپا شیکه کارگران در حلساب عمومی ۱۹ آدرو ۲۶ دسماه و عره انجام دادد و طبق اسادیکسه امروز در دست است ، سنا سده دولت موصد "انقلابی" و "سورای انقلاب" ، سنا آجا که سواسسه ما رسد در رسده است ، اربا بس در دیسپا سیمی هم به حسد سقر داده و آنها را حریسه با سوجه های حوبی برای سوسد و سد سگوبه سنا سد خود را سورا و سکمل کرده است . ار طرب دیگر سوجه های با سبسی

و فابج و اعاقاب حندما به احسر در کارخانه چیت ممام رسونه اسست مشص ار آنکونه مسائل و مکلایی که طبقه کارگران در محیط های کار خود در عزمه سیاسی و احتماعی با آن روبرو میباشند ، سنا و معید حوا هدی بود که کلیه سروهای مسری دست اسدن کار که برای خود مسئولیت و رسالسی فائل میسنا سدن ، سدرسی و سبیه گیری ار رویدادهای این کارخانه بردا حسه و بحرساب دست آمده را در احسنا سار حسن کارگری اسرا براردهند .

بعدا رفیام با سگوه سیمس ماه سواسطه سهر خروسا ن سوده ها و جوسو انقلابی حاکم بر جا معه که خدا را سخو با حت های نالائی ها همه کس و همه حیورا به حطوهل مداند ، معدودی ار مردوران و کارگران امیرنا نسیم که دسنان کا ملا در مقابل ملسر سوده سوسد و سدها سوسه و اسعنا رسسد سرتنهان کرد ، با سوبره های سبر ، ار سرس سوده های حمتکس سنا سسه گسه میحرو سسد و میحو اسده انقلاب را به سرحا مبرسا سدن ، با سفا رگذا سسد ، مبارزات کارگران برای حنود ؟ سر علیه کسی بود ؟ و در ا - واسان ، انقلاب چه مقصود و هدعی را سببال میگرد ؟ آنچه سلسام رحمتگسان و کارگران احتماع ما در یک سیمس اقتضادی و احتماعی خاصی که کار گداران و کار فرما بان و روسا و ممام - و بین ترا وای داشت و دارد ، اسسما میسند ، تحقیر و تحمیب میگردیدسد و بضر ب حوب و چماق و گلوله سرتوب می سدن ، بعدا رفیام سوده ها سببال عوا مل و کارگران سلسدا به ودون - پایه این سستم سوسدن اولار رسه این روابط را سوسد کسد و حصری دیگر که در خدمت و سببع رحمتگان و کارگران باشد سرجا بس سنا رسد و سنا سنا تک تک عوا مل و کارگران را سبای میرمحا کمه انقلابی سگاسد ، سنا به داران و وابسه ، و سوجه های آنها در کارخانه چیت و همحسین حاسوسان و ما مورسنا ساواک که سالی سسال کارگران را سنا سنها کنیفسنان سحال حقان سگا هدا سسه و خون آنها را رانوا ر مکنده اند ، دشمنان روبا روی کارگران در کارخانه ها سنا سدن که همه کارگران ارببر و جوان سسرت









# حقیقت

در کارخانه جیب بمبار.....

براستی با ۱۰ رأی کمتر از کبری دوم و صاحبان سوم شدند. در این رابطه بنگم اینکه دست دوم که در این روز سب کار بود بعلت عدم وجود سمان سده و رابکار در رأی گیری شرکت بدست، همجنس جناح اکبری از این موضع استفاده کردند و کار بعدادی از افراد سبکار و همجنس افراد غائب را به صندوق بردند و از این بدفع اکبری رأی دادند. در کنار ریزوهای حب و آگاه و سایر با تحلیل اسکند عوا سن ۲ جناح در دست تحریم اسباب را بیش کشیدند که در جای خود سبیری به تأثیر نبود. همچنین با نگاه به آراء جمع شده و تعداد کارگران سا عمل در کارخانه (۲۵۰۰ نفر) تعداد تقابل ملاحظه ای با آگاهی از عمل کرده هر دو جناح در اسباب ت شرکت نکردند. این به بعد شورایی ها تبلیغات خود را مبنی بر تقلب در اسباب سبکات و شناخته نبودن کارندها توسط کارگران جدید و عدم شرکت سب سبکار شروع کردند.

**صبح روز چهارشنبه**

از صبح روز چهارشنبه حرکتی با برما هم از طرف کارفرما و شورایی ها علیه با آگاهی کبری و رعیت شروع شد. بعدادی از عوامل سورا ارمضح میان کارگران رسید و با حواس انجمن اسباب شروع به تبلیغ کردند. همجنس با افراد مبارز آگاه ایس سب که کارگران جدید می باشند در این رابطه مورد کردند که از طرف کارگران مبارز جدید مورد استقبال قرار گرفت. همجنس بخشی از عوامل سورا که کارگر قدیمی می باشند حواسه تصفه (اکبر اکبری، رضا رعیت) مانا اله کاشانکی) شدند. که حوس حرکت حوسی جدا ارمضح سوراچی ها در رابطه با تصفه این افراد بود مورد استعمال همه قرار گرفت. کارگران طرفدار شور و کارگران جدید مبارز در سالن بافتندی شماره ۱ حرکت خود را با خوابانیدن دستگاه ها شروع کردند. و با چرخیدن در قسمتها، کارگران را دعوت به اعتراض کردند. مقدم و سوراچی ها و امود میکردند سوراچی حرکت نقشی ندارند. مقدم با ظاهرا سبکه میخواستند حواسه کارگران حواب گوید و از درجریان میشود. کل کارخانه میخواستند و بعدادی کارگران به خارج کار میگردیدند. کارگران به سالن سخنرانی میروند و حواسه سبکار انخلال انتخابات روز میل میشوند. از مانی که تجمع شروع میشود کارگران آگاه و مبارز موفقی میسودند کل مبارزه را در دست خود گیرند. کارگران

در محوطه داخل کارخانه حلوی در ورورگا مبابسند و شروع به سخنرانی میکنند. یکی از کارگران قدیمی رگوری حسن سخنان خود را به تصفه افشاد ظاغوسی میکنند و میگویند "ما کارگران خواهان تصفه افراد با سدر زیم کدسند ارمضح حاجی عباس معصومی، اکبر اکبری، رضا رعیت میباشیم. در این زمان رضا رعیت با گفتن اینکه مگر فقط بود این کارخانه کارگره سسی شروع به صحبت میکنند که کارگران بسا گفتن اینکه دیگر آن دوران گذشته و محاسی بدو، رعیت را از کارخانه بیرون میسودند. کارگر سخنران در ادامه سمانا اله کاشانکی رئیس هیئت مدیره فروشگاه معاوسی را می آوردند که کتک کارگران از کارخانه بیرون انداخته مسودند. بدستبال آن اسم تپاری تلفن چی کارخانه فرائت میسودند که فصل از اینکه بدست کارگران بیافتد به بیرون کارخانه قرار گرفته بود. کارگران برای گرفتن اکبری به کارگزاری (محل کارش) میروند که متاسفانه از در بشناسی کارگزیی قرار گرفته بود. کارگران برای میسودند که فاضی راده عنصر فدکا رگزی دیگر که سبیا حرکات صد کارگزی انجام داده را بیرون کشند که متاسفانه مورد اعتراض عده ای از کارگران قدیم واقع میسود و فاضی راده اراج میسودند و همجنس اسم سبیرات موجودی و سخور خواننده مسودند که فصل از این حرکت بیاید کارخانه سپهان شده بود و با ارکاره حابه اراج شده بودند. بهر حال کارخانه را ۹ صبح که اسباب آغاز مسود با ۱/۳ بعد از ظهر که تصفه صورت میگیرد دیگر ارجه مبارزه بود.

**یک نکته قابل ذکر است:** سورا و کارفرما در مورد تصفه رضا رعیت، اکبری و کاشانکی موضع مناسبی داشتند و همجنس در مورد تصفه موجودی و حاجی معصومی و غیره سکوت میکردند و این ترلزل بخاطر این است که در این دوران ۹ ماهه جناح اکبری و رعیت نواسه انداسادی اردردی های مقدم و سورا جمع آوری کنند که اگر کارنده مقامات بالا کشند ماضع هر دو جناح در خطر خواهد افتاد. بخشی از صحبت هائی که کارگران در مورد افراد تصفه شده میگویند بشرح زیر است:

## ۱- ماشاء اله کاشانکی

در دوران ظاغوب رئیس هیئت مدیره فروشگاه معاوسی بوده. طی این سالها بجز مواردی با چیز هیچگونه

سودی به کارگران پرداخت نکرده، کلیه بولپها را بالا کشنده است و همجنس مدت به ما است هیئت مدیره جدید اسباب شده اند و سوزما به او جاس فروشگاه و دفا سررا تحویل هیئت مدیره جدید داده است. بارش جدید شرکت معاوسی میگفت باقیمانده اجناسی که در فروشگاه مانده سمانا قاص است (مثل ساغهای سی سند) و آرنجائی که سبیکا شی های سابق و هیئت مدیره سابق همگی مال محله ای ساسم دو سورا با ده سب دست بدست هم دادند و سمانا سوزما به فروشگاه را که بقول صاحبان رئیس جدید سورا در حدود ۲۵۰۰ سومان می باشد را بالا کشیده اند. بعد از اسباب هیئت مدیره جدید فروشگاه و دبیل ارمضح، سعل او با دادن بافتندی به کارگران سورا بود که بگفته کارگران بدلیل عدم وجود کارآمور همیشه بیکار بوده و در فکر نوظئه حبسی میباشند.

## ۲- رضا رعیت

رئیس سبیکای دوران با سسی، این فرد سانسده بود با حوس قدیمی به ساسی وقول دادن به اسبکه سبکه حرکتی به معن کارگر کشنده اعتماد با سسی را حطب کند و با وجود آردن باید، کل کارخانه را زیر نظر خود داشته باشد. از سر سرردگی او با سب سبک حاش اسبک و روزهای منحوس ۲۱ آذر، ۲۸ مرداد، کارگران را با لباس سو و بان بربری و سب مرع به هورا کسی برای ساه مسرد. در اوایل انقلاب ساهمدسی سرگرد قدس ما مورحفاظت کارخانه که جدیدی پس از کارخانه اخراج شد، کارگران را به قم سده و وادار میکنند که به مدخمیسی و روحانیت مبارز سار بدهند. و اینکه بعدادی کارگر قدیمی، مثل ارقیا با سبکار کارگران با رعیت سانس منگیرند که اجازه دهد سب هراب و راهی سبائی بگدا رسد و رعیت در حواب میگویند نگدا ریدار فرما سبنا سبائی احساره بگیریم که خود کارگران اله اکبر گویان به در کارخانه هجوم میآورد و به راه سبائی خود ادامه میدهد. سعل فعلی او قبل از تصفه از کارخانه رئیس بقله کارخانه.

## ۳- اکبر اکبری

این فرد معاون رضا رعیت در سبیکا بوده است. سبکی از حرکات اسب فر در مانی که با سسی میخواستند سب سبده مجلس سواد سب فر دصیح تا سب خارج از کارخانه با گردان سانس سبید در سبده ۱۳

روز ۲۵ بهمن، پنجشنبه -

سعادی از کارگران مبارز بسا اول و دوم برای نفعه حاج عباس معصومی و سپهراب موجودی جمع میشود. از طرف کارفرما اطلاعیه رده بودنده که از ورود افراد صنعت های دیگر جلوگیری نمود، همچنین ما مورین کمیته سردر کارخانه بودند. جمعی در حدود ۳ نفر یکبار موفق شده داخل کارخانه بروند و در داخل بسا تزلزل بختی از سردمداران و صحبت بعضی از طرفداران شورامسی برای یک نفعه ایی ۲ نفر ضوابط گرفته کارخانه را ترک میکنند. گفته میشود این ۲ نفر استغای خود را سوسنه اند.

روزی ۲۷ بهمن ماه -

کارگران آگاه و مبارز بصمیم منگیرند مهم ترین وظیفه را بصفتسه عا صرما سد و استه که بصترین و عا حل ترین حواسه کارگران بود، فرار دهند. کارگران شهید کردند که اگر حاجی معصومی و موجودی به کار خانه وارد شوند کار را خواهند بود. در آن روز خبری از این دو نفر نشد. در آن روز از طرف وزارت کار با سعادی به حاجی احمدی رئیس قلی سورا مننی بر سرگردانیدن سرگردانیدن به کارخانه فرساده مسوده که سورا آسرا به دیوار کارخانه نصب میکند و بجای خود مورده عسرا می کشد و فرار میگیرد. از فرار معلوم وزارت کار شهری و همچنین کمیته شهری و کمیته بل سیمان با باند را رعیت و سرگردانند (که رشن حفاظت کارخانه نمند ۴ سال بود) وارد سارس سراسری سرگردانیدن عناصر صفت شده مسوده. که به این موضوع اشاره خواهد کرد.

در همین روز ساعت ۲ سعاد طهر هشت مدیر جدید فروسگاه که بصختا طرفدار سورا و کارفرما هستند - بصفت استفاده کرده و برای اصغای هشت مدیره ساسی و همچنین محکم کردن موقعیت قلی خود میان کارگران دست به حراسی در مورد شرکت ساعوسی و مسائل آن سرسند. اصغای فردی با سراسری رشن فروسگاه در مورده اسکله سورا حاسین فروسگاه در اهت مدیره قلی سحویل گرفته اند صحبت میکنند و بصختی با سحصدی از هیت مدیره ساسی مطرح میکنند که سواد فروسگاه را سال ۵۴ بسا بسا بردا حب کرده اند که مورده عسرا من کارگران قدم فرار میگیرند. مطرح میشود که فروسگاه ۲۱۹ هزار سوسان سرر کرده که مورده سح کارگران که از حرا با اطلاع بودند قرار میگیرند. در اس موقع یکی از کارگران صدیمی

در محبت های خود هیئت مدیره را محکوم میکند. ما رها اوچ میگیرد و یکی از نمایندگان موقت کارگران حدید راجع به بصفت عا صرما سد و بصفت شرکت ساعوسی و مبارزه برای بس گزشتن سرمایه فروسگاه از کارخانه یکی صحبت میکنند و سحوی میسواسند ما هیت عا صرما سد و بصفت نقش سورا و کارفرما را در این رابطه برای کارگران با رکنده مورده استقبال شما می کارگران حاضر در کارخانه قرار میگیرند. بهرام کامرانی یکی از طرفداران اکبری که چندی است چهره دوستدار کارگران را بخود گرفته سارک با کت اساد دردی سورا و مقدم به طرف میکروفون میآید. مشعل خواندن اولین سند میشود که کارگران چون میدیدند که نمائنده کارگران حدید خوب توانسته هردو جناح را اقصاء کنند بهرام راهو کرده و ساعی بنده موفق میشود سدر از ازند بسب بهرام گرفته و آنرا برای کارگران بخواند. یک نسخه از این سند بصوت گزاش اس که در انتهای گزارش ملاحظه خواهد کردید) در ایس موقع طرفداران اکبری که حدود ۷ تا ۱۰ نفر میسود با سعار در ورود سراسری به طرف بهرام میآید و سوار طرف دیگر نما می کارگران سعار مرگ بر احمدی، سورا و واقعی اصغا بداید کرد، را میدهند. در اس میان دو طرف وارد دعوا میشود. از طرفی ۲ آخوند با سح حاجی محمدی و حاج سوری و همچنین با سداران وارد کارزار میشود. از یک طرف کمیته جها ساروع به تیرا ساداری هواشی میکند وسی میکند طرفداران اکبری را از محل دعوا دور کند و سعادی را ساطق نگهاسی مسرند که ععدا طرفداران اکبری و آن کارگرما رر بودند. از طرف دیگر حاجی محمدی که ارسال با اکبری سارس کرده برای حوا با سدن حرا با و حام کردن کارگران بسرای سرگردانیدن عناصر صفت شده سروع به صحبت میکنند که کمی اهمیت نمدهد. مشعل یکی از کارگران طی دعوا عا صرما سد حاجی سروس و ساعوسی - اصغد. در همین حاس کارگران سوحه دستگیری دو کارگرما رر مسوده که اادن سعار خوا سار آراد می آنها می - سواد طی دعوا فردی از طرف سداران اکبری با سرما من را عی جاعوسی - کدولی سطب را سدوس کارگران سح غلطی میسواد میکنند و فقط موسی مسود حراسی در مورده یکی از کارگران ما را اصغا دکنند. گفته مسد که ۷ الی ۸ نفر حا قوکت سطر ساداری از اکبری بسرو کارخانه بودند. که

بصفت تلوفی و بسته شدن در کارخانه نتوانستند در این درگیری شرکت کنند و فرار را بر سر ترجیح دادند. صاحب حاجی محمدی مبنی بر اینکه ۲۵۰۰ سال طول کشید ما را بسرو کردیم و حال تصفیه ۵ سال طول میکشد، بدگوش کارگران سرفت و کارگران همواره خوا سار آراد می کارگران مبارز بودند که کمیته مجبور به آزادی آنها شد. همچنین بدلیل کم شدن کارگران و رفتن به خانه ها با سنان حرا با ساعت ۴ حالت نیمه سطبیل بخود میگیرند. قرار مسود ۲ نفر از کارگران جدید و ۲ نفر از صدیمی ها در کارخانه با سدن حل اصغاف کنند و همچنین کلیه دستگیرنده ها آزاد مسود. در تمام مدت دعوا با سداران مشعل ساسا - ثی افراد فعال و مبارز بسرو سوسی - نصب بسرمانندند.

کمیته شهری و بل سیمان که به قرار اصغا اکبری سارس کرده اند و همچنین گفته مسود که سران کمیته سارک با سکی ورعی و اکبری سوسان صدیمی هستند بصفت طرفداران اصغا صر صفت شده و رو کردن اساد دردی مقدم با مقدم ساس میگیرند و حوا سار سرگردانیدن اس عناصر به کارخانه مسود. بصفا هر سغد ساعیت میدهند و ساعت ۶ بعد از ظهر اعلام میدهند که اس اصغا با اصغای مقدم بسد سوار سالی ها نصب میشود. که دو باره اس سار غار یک حرکت بوده ای دیگر مسود. سار با حرکت اولیه عا صرما سد و سورا و حرکت جمعی کارگران اصغا بدگیری آغار میشود. کارگران ساسار "سرک سار اکبری"، "سار اکبری به سورا سورا و اصغی" ... و سکو سهرمسلمان، خا سار اس به سار و الله اکبر گویان به محوطه حلوی در کارخانه میآید. حاجی محوری سروع بصخت میکنند و میگوید که ما سدا بصیم مقدم در اس سوما مدرک داریم و در مقابل کارکنان مطرح میکنند که ما به دو طرف کساری سدا بصیم هر کس که در اس سار سار سار سار بود. در اس سار با سداران سار به اسلحه مسود. سکی از کارگران میگوید سسبه ما حلوی گلوله ساسر اس. کمیته جها غلاف میکنند. از اس سعدا آخوند و کمیته جها ساعی میکنند در سار سار سار.

روزی یکشنبه ۲۸ بهمن -

مقدمه و وزارت صنایع و معادن سرود و اصغا میدهد. فردی با ساس ما سار الله که را اصغا دوا بسبه سورا و کارفرما بسد و سربس بختی اسالی سافندگی ساره ۱ است به سورا رسد و سده در سح ۱۴

#### ۴- حاج عباس معصومی و سپهراب موجودی

اس ۲ مردار سوکران ساسی و سوطه کاران قلی کارخانه هستند. در گذشته علاوه بر حوض کلان با سارک بسچاشن کارگران مصالح هنگفتی در یافت میگردند. در گذشته بسکته کارگران صدیمی، به نحاسی و ردن کارگران میردا حسد. سحکوه صدیمی در سولید سار سادی ۲ سر ساعور ساسان اصغا دمبا ربه سار و اک سوده اند. ساسکله سح کاری در کارخانه اصغا جام سمد سده روزی ۴ ساعت، هر ساعتی ۵ سومان اصغا سکاری می - گسند. و با اصغا کاری حوققی در حدود ۱۵ هزار سومان میگیرند. در سکار کردن کارگران سس ری سادی دارند. قلیا در سالی سمارا هر کاری روی ۲ ماشین کار میگرد. این سسرف ها از ۱۰۰۰ کارگرما غل در اس سسب ۵۰ کارگرما بسرو میکنند و به کارگران دیگر سار میگذاردند که هر کدام با ۲ ماشین کار میکنند سربس حدود ۵۰ کارگرما اصغا و بصغه مجبورند کار بصشر میکنند. همچنین ساسکله از طرف دولت حقوق کارگران اصغا سد، حاجی عباس سسگنه من کارگران را با همین حقوق مجبور به سولید میسوم و اصغا اصغا به سار سسب سسب سعل قلی اس ۲ فرد کسب ساس سار سالی - های با صدگی میساید.

در اصغا ساس سورا سعادی از کارکنان سار سار صدیمی ساری جم آوری و ساشید اس حرکت از طرف کارگران اصغا به جم آوری اصغا سسگنه در حدود هزار وادی اصغا جم سد.



ما صن بنسبایی و حمایت از منحصین ، اینگونه اعمال فدا انقلابی را  
ندما محکوم کرده و از مردم میخواهیم ضمن هوشیاری انقلابی با اتحاد خودار  
ایگونه حرکات ارتجاعی جلوگیری کنند . با شکست این توطئه در نطفه خفه شود .  
توطئه و تفرقه بین صفوف خلق محکوم است !  
هر چه استوار تر بادا بحاد انقلابی بوده ها !  
عده اش از ننگگران اهواز

هوادار " اتحادیه کمونیست های ایران "  
۳ اسفند ۵۸  
دانشوران کل انقلاب اسلامی خوزستان  
اهواز

چگونه حاکم شرع ...  
که هر جا صدای اعتراض و فریاد حق طلبانه ای بلند می شود سر و کله آنگاه آن بیست  
پیدا میشود و هر جا سخن از آزادی و حق طلبی با شد اینان به صدای اربابان نشان  
به انجا موظیفه شرعی و قانونی خود که همانا سرکوب و رخمی و مجروح کردن ن  
مردم با ستم مغول میشوند . اینکه مردم را عامل حمله به اجتماع ، دفا تر  
سازمانهای انقلابی ، کتابفروشیها و ... معرفی کنید و هیئت آشکاره درجه  
شعور و آگاهی سیاسی مردمی است که آنگونه برای تحقق انقلاب رزمید و آن  
چنان مبارزه دلیرانه ای را به سرانجام رساندند شما امروز سیرت ما سه  
آنان را مستحق افراد کور دل معرفی می کنید . مردمی که اینگونه اعمال را  
با رها فاطمه محکوم کرده اند و مدتهاست که بدستی تشخیص داده اند که سر نخ  
این جنای بدستان دردست چه کسانی است ! معلوم نیست که چرا با بد آقایی  
جنتی از انجام سرکوب متحصنین بدست " مردم " از نیل با خبر باشند !  
آقای جنتی که گویا احیاء به عضویت " شورای نگهبان " سیرا انتخاب  
شده است و از قرار بد مدافع منافع مردم باشد اینگونه ارفناغ مردم دفاع  
میکنند . این عمل به خوبی برده از ما هیت فدا انقلابی این حامیان سه  
اصطلاح مستضعفان بر میدارد . اما این عمل آقای جنتی برای ما معجب آور  
نشده و بسبب و آرا داده ، طبیعی کلیه اعمال فدا انقلابی صلی وی میدانیم .  
آقای حاکم شرع که در ما ره با انقلابیون و به تعبیر خودشان فدا انقلابیون  
" مبخص " هستند ، کسی است که در ما زهای جمعی شان خراب را سار لیست  
فدا انقلابیون میدهد و مردم را دعوت به معرفی فدا انقلابیون در مدرسه - کار -  
خانه - اداره و ... میکنند . کسی است که خواست تعطیلی بنحیضه از طرف  
ننگگران را کاری بد انقلابی میداند و با در سر خوردن اعتراضات و خواهشهای  
حق کارگران صایح فولاد در رمیه ملی کردن سرمایه های امیرالسنسی و  
رئی بدستان ، آنان را فدا انقلابی و اخلاک بر میداند . کسی که در جریان نیل  
احیر کارس حمله به سروهای صرئی و مردمی کمک رساننده مردم سیر کرده بود  
و دستور را داد است کمک کنندگان و یا جلوگیری ارکا را آنان را میداد ، کسی که  
تبلیغات ریاکارانه و فریبکارانه در باره سروهای مردمی دست میزند . حد  
خوب میداند که تماشا این سروها با مردم در جریان نیل موجب حوسس  
صمیمیت هر چه بیشتر این سروها با مردم خواهد شد و اساسا این سردستی  
بسیار وحشت دار است و این را خود مردم بخوبی تشخیص داده اند .  
در باره آقای حسی همین س که کفبه می شود سوح مرجع و رمی بدستان  
بزرگ عرب که در جریان مبارزات فدا انقلابی و برخاستن موج مبارز  
مدفئودالی توسط ساداران اهوار بار داد است سده بود بدست سورا سان آرا د  
گشتند .

خواسته های روشن خوارانه ای که اصل آن فدا انقلابی و سیرت است  
( بجزه نشی نشان از انسان باید از این بود )  
حاکم شرع ما را طبق سند : چنین تفسیر میکنند  
ما نیز تفنن پوشیده داماد بزرگ در راه رسیدن به خرامش ای قان  
خود جنتیم .  
انسان نوری : انسان سادای اداره محلی و سادایان سادایان  
مقتضی در اداره مرکزی شرکت نیست - هول

دوستان و دشمنان ...  
مبارزه با ستونهای نفوذ امیرالسنسی در ما ره داران بزرگ ( واسسه ) و  
فئودالها و سران مردوراسن و بیگ کلام بد و انقلاب سست و فقط بفرمان  
تغ گروهی و حربی خود بوده و هستند . هر دو بجای ما ره واداه انقلاب راه  
سازش با امیرالسنسی و عوامل آنها یعنی ما ره داران واسسه و فئودالها  
توقف انقلاب را مرمعه و موعظه میکنند . در کا رخانه ما که کشت ؟ دوستان  
بجا طریبا و رید که نکال بیس ما شورا را برای رسدن به خواستهای حدس و  
چند ساله خود ما هزارا میدو آرو سکتل دادیم و دیدیم که چگونه به صدگان  
سبدیل شد . و دیدیم که چگونه این سورا به بیگروا سده های ما بلکه همسه به  
فکر منافع آن سالاتی ها و حزب حویت یعنی حزب جمهوری اسلامی سسوده و  
هستند . و بچین علت بود که وقتی سوا سسند و وظایف سارکا راه حربی  
خود و اهداف مذکا رگری خود عمل کنند برای سرکوبی ما ررات ما کار رگران  
با سلسله ای آمریکائی در مکان معدس کا رخانه فرسند . ما به تجربه اس  
حدس له دیده ایم که به آن سدیکا زردملای و به این سورا سارکا فرما  
سی و سوزنی همراه ما مدبرعا ملس هیچکا مدرراه کارگران و بی حبران  
سوده و بیسند . در این بیس ما با افراد جدید دیگری سرور و برودیم ، سوز

سعدار مجمع عمومی رور سه سه ... مسئله مهم در اسحا ابست که این افراد  
گرک در لاس میسر هستند و از ما ره برحق ما اسفا ده کرده و سوا سسند  
ظا هر ساری در اس ما ره سیر فرا ریکرید . ولی وقتی که نوا سسند خود را  
در سس سباری اردوسان کارگرا ما بر سنده هدیهای خود بر دیک سوسد  
با مدبرعا مل در دو مذکا رگرو سورا دست سنده ما رش کرده این افراد که  
سحب سیرکنند در اسسین به اصطلاح کارگری ( مذکا رگری ) و حرب سوده ( خاشن )  
هستند می خواهدا طریق این سورا و طرح بر ما هه با سنان خواسته های برحق  
ما رما ره ما که سسها بر علیه سورا و مدبرعا مل بلکه بر علیه سورا سسند  
انقلاب و سورا ر سکاری خذکا رگری سساده احراف بکشد و ما هکاری سس  
دولت سورا انقلاب و حزب جمهوری وسی در ما زش کسان ما رره ما  
با آن سالاتی ها بکشد هدف این فرصت طلبان در این دوران روش اسس  
آنان صدلی های مجلس سورا اسلامی راهد گرفته و میخواهند با سوری بر  
دوس ما وسعوان به اصطلاح سساده ما خواستهای حده و بر سه سسها  
کارگران حیب ساری بلکه ما کارگران ایران را وسله ای کنند برای  
منافع گروهی و حربی در خدمت آمریکا و شوروی قرار دهند . آنها میخواهند  
با سوس و آوردن سوسه هایی ار سنان ملکس  
بسه در صفحه ۷





# حقیقت

گزارشی از مبارزات ...

نوشته بودیم) نماینده‌هایی از قسمت‌هایی از این شرکت برای نوشتن اساسنامه شورای جدید انتخاب شده بودند (نمایندگان هیئت‌موسس) بعضی از این نماینده‌ها زمانی که از موضوع با خبر شدند به کارگران خبر می‌دهند. سپس کارگران آگاه‌ها بین خبرها همه‌جا به میان کارگران می‌برسد و پس از آن اعتصاب و راهپیمایی شروع می‌شود. این مبارزه سه شنبه ۱۵/۲۶/۵۸ آغاز می‌گردد. سفارهایی که کارگران به پیش می‌گذارند اینها بودند: کارگریمانی رسمی بایدگردد! شرکت‌سیمانکاری ملی بایدگردد! زندگی کارگران میسر بایدگردد! کارگردمن امیرالیم، سرمایه دارمردوروسکرا امیرالیم! کارگردمن انقلاب است! کارگران تا بلورسک تا سرویلر- تهران جنوب را اشکسده و بجای آن تا بلوی با عنوان "شرکت ملی سروهای" گذاشد. کارگران پس از راهپیمایی جلوی کارگرمی‌شرکت جمع گردید و خواستهای زیر را به پیش گذاشت:

- ۱- اعوضار دادنا شرکت فاسر- ویلر- بهران خوب. ۲- زیریوش دولت فراگرمسن (رسمی شدن). کارگران تا طعانه می‌گفتند که اگر تا یکسال هم طول بکشد مبارزه را ادامه میدهم. روزهای مختلف کارگران جلو کارگرمی جمع می‌کردند و سخن رانی می‌کردند. در این سخنراستها و بحث‌ها از لزوم وحدت کارگران و لزوم تشکیلات برای پیش برد مبارزه گفتگو میشد. درباره مصافحه سرمایه‌دار و وابسته برجیدن بساط سرمایه‌داری و وابسته صحبت میشد. به نقطه در این شرکت بلکه همه‌جا. به این سر- تیب پاییه امیرالیم مورد حمله قرار می‌گرفت در بساط بق حرکت صد امپریالیستی حاصه دربارها امیر- یا لیم و عملگردهای آن بحث میشد. سیاست‌گامه‌گام امیرالیم، سارن- کاری با زرگان و نهضت آزادی با آمریکا و حاسوسی چون امیرالیم صاحب میشد. بطور کلی جمع‌های کارگران به مدرسه‌ای سیاسی تبدیل شده بود. مدرسه‌ای که در ...

طبقاتی و سیاسی میداد. در مورد تشکیلاتی که با یستی اعتبار و مبارزه کارگران را به بیستی برد چن روز بحث شد. معلوم بود که نباید به شورای معلوم الحال بسه اصطلاح زحمتکشان که کارگران خوانند مبارزه سودتکیه کرد. اعتبار و مبارزه لزوم یک رهبری و برنامهریزی مبارزه را نشان میداد. با ردیکر ثابت میشد که بدون تشکیلات واقعی و منسجم و بدون برنامه آگاهانه و هدایت‌کننده نمیتوان مبارزه‌ای را که آغاز شده است به پیش برد. ارسویی اعضای تا باب شورای زحمتکشان تلاش می‌کردند که سرخ را بسه دست بگیرند و در این راه هرکاری دست می‌زدند. سر از جد روزگه از مبارزه گذشت فرا رشد شورای پیشرفته اعتبار تشکیل شود. این سورا از نمایندگان هر سمت انتخاب شده و اسم خودش را شورای هماهنگی گذاشت که از این به بعد سعی کرد مبارزه را هدایت کند.

در طول اعتبار کارگران بیمانکار ریهای دیگر صایح فولاد (ما با و ماشین سازی) با راهپیمایی از محل کار خود به در کارگرمی. اعلام نشیانی کردند. آنها نیز خواست رسمی شدن را به پیش گذاشتند. در راهپیمایی کارگران ما با سفارهایی که کارگران به حمایت از کارگران تا سرویلر- تهران جنوب میدادند اینها بودند:

- کارگرمی‌سری رسمی شدن حق نبوده ... شرکت بیمانکاری ملی بایدگردد. کارگرمی‌مانی رسمی بایدگردد. سرمایه‌وابسته ملی بایدگردد.

## دیدار هیئت دولت

بعد از حدود دو هفته هیئتی از طرف دولت برای به اصطلاح رسیدگی آمد. کارگران برای صحبت با این هیئت جمع شدند. هیئت گفت که ما باید نمایندگان شورای هماهنگی مذاکره کنیم. شورای هماهنگی جواب داد که گذشت آن زمانی که شما هشت درهای بسته برای کارگران مصمیم می‌گرسید. ما جلوی جنم کارگران نهاد کردیم. در ضمن اگر شما حاسدهای ما را بسول دار سازد همین

اول آنها را بسول کسید ما با شما مذاکره می‌کنیم. هیئت گفت که ما صلاحیت نداریم! که به این خواسته‌ها رسیدگی کنیم. کارگران جواب دادند اگر شما صلاحیت ندارید پس چرا به اینجا آمده‌اید؟ - حتی عده‌ای از کارگران قصد حمله به آنها را داشتند که با مدخله کارگران جلوسان را گرفتند. معلوم نیست اگر هیئتی که می‌آید صلاحیت ندارد، پس برای چه می‌آید. غیر از این است که اصلا قصد رسیدگی را ندارد و هدفش سرکوب و با محرف کردن مبارزه‌هاست؟ کارگران به هیئت گفتند، خوش آمدید ما وقت نداریم با کسانی که صلاحیت ندارند مذاکره کنیم. هیئت هم رفت دنبال کارش.

## خوابگاه‌های اعضای شورای با اصطلاح زحمتکشان

ما قبلا در همین صحف "حقیقت" درباره ماهیت و عملکرد این شورا نوشته بودیم و نشان دادیم که این شورا مذاکره و عملن سرکوب مبارزه کارگران بوده است. این شورا با آنکه مدتها پیش کارگران انحلال آن را اعلام کرده بودند و حتی نمایندگان هیئت موسس برای نوشتن اساسنامه ساختاب شده بودند، آنقدر سربروی بودند که همچنان کار را ادامه میداد و هنوز هم می‌دهد. معلوم است که اعضای این شورا یعنی آدم‌هایی مثل دعاغی، مصطفی نور، سید هاشم موسوی و غیره از اول مبارزه کارگران در دل حوشی نهادند. بخصوص وقتی شورای هماهنگی تشکیل نشد کارگرمی‌ها و توطئه‌ها را شدت دادند. مثلا گفتند که "شرکت نمی‌تواند هم‌را رسمی کند ما برای بیم مردها را اخراج می‌کنند و آتوفن و بیچسه" آنها گرسه می‌بندند. "که کارگران حاسی جوابشان را دادند و بیست بند کوکا زگری گفت که: "شرکت حیدارد حسی تکمرا اخراج کند." اما کارگرمی‌ها اس عنا صرم می‌کردند و این بود که ما به هدیه آنها هم جواب رسمی شدن کارگران هتند و خلاصه خودشان را طرند و حرکت کارگران حا برند. اگر شوجه کنیم می‌بینیم که سورا نه تنها هیچوقت ارماساره کارگرمی دفاع نکرده بلکه هم‌سره سرکوب کرده است. اما این ارسویی کارگرمی حرا مسحا این حواس را حلوگدا- شتند شورا مجبور شد دنبال این حواسه بیاید. اس عنا صرا حمله گفتند که حواسه رسمی شدن را خودتشان قبلا به دولت اعلام کرده بودند. وقتی کارگران پرسند چه کردند؟ جواب

دادند که مقامات مسئول اعتنا نمی‌نکرده اند که کارگران در جواب گفتند چرا این موضوع را با ما در میان نگذاشتند ما هم باید نیم‌چه‌ها دیدیم و چطور با دولت طرف شویم؟ اما این عنا صرند تنها این سوطه‌ها را می‌برند بیخندند بلکه حساب شده و با برما سه (و حما از جایی تغذیه هم می‌شود) تبلیغات وسیعی را در اس می‌زدند که هدفش بی اعتبار کردن شورای هماهنگی، گرفتن رهبری از دست آن، اسراف مبارزه، انداختن بسا و نوراندن کارگران بر علیه کارگران آگاه بود. ما اینجا بعضی حرف‌هایی که در سخنرانیهای خود می‌زدیم - آوریما به بیسیم چطور با دروغ و پندید و تبلیغات سعی در اسراف مبارزه دارند.

یکی از این عناصر "دعاغی" است که مودیا سه و با برما سه عمل می‌کند و راههای نفاق افکنی و فریب کارگران را خوب بلد است. یکی از سخنرانیهایی را دست کنیم، اول می‌خواست با "بسم الله حاصل الجباب" رسی "محبت کند که مناسبه یکی از کارگران گفت به عربی صحبت نکن و این حرکت اشتباهه به به بدست "دعاغی" و هوادارهایش دادند اینطور و نمودند که کارگران مبارز و آگاه همدرد هستند که "بسم الله" سبب می‌شود شروع کنم و اسها بند. اسان سبب می‌دهد خدا سبب ... علاوه بر این برای نفاق انداختن پس برادران کارگرمی و عجم هم از این حرکت استفاده کردند. در صورتیکه چه کسی تمیذا نکرده کارگرمی و عجم هر دو یکی اند، هر دو خواستشان یکی است و هر دو متحد و برابرند. چه کسی تمیذا نکرده "دعاغی" با اینکه عرب است خودش مذاکره کارگران عرب هم هست، چرا که ما حرکتکشان مخالف است و از مبارزه‌ها برای گرفتن حواسه‌ها بیسان جلوگیری میکند! "دعاغی" به عمد سعی کرد در صفت طلبا به خودش را طرند و حرکت کارگران حا برسد. به این سبب که گفت اعضای شورای به اصطلاح زحمتکشان که حالا بدن نام شده (آنقدر رسوا شده که دعاغی هم از بدنش می‌گوید!) تبلا خودش حواسه قبول خودش را برادران شورای هم آهنگی قرار است با هم صحبت کنند و مسئله را به پیش ببرند. "دعاغی" با این حرفها مودیا سه سعی داشت خودش را در رهبری مبارزه حاکمدا ما البته کسی حلو نیست بخرف. بعد "دعاغی" گفت که "کارگران محط می‌خواهند رسمی

مختلف ، بورژواکمپرادوری ، فئودالی ، بورژوا ملی‌خورده بورژوازی سنتی و خرده ملاکی تقسیم‌شده و براین مبنی با سایر گروه‌بندی های ایس هیئت حاکمه صف بندی می نماید. اینها در رزایی از مبارزه فدا میریالیستی جاری و یا انتخابی با قدرتیستند مواضع متضاد با خا ذ شده توسط روحانیون مختلف شریک یا مرتبط به قدرت سیاسی را توضیح دهند و همه محاسبان با یک تلنکر درهم شکسته میشود. روحانیون دربر خورنده هیچ یک از مسائل اساسی طرح شده موضع واحدی نداشته اند و مواضع اتخاذ شده متفاوت و متضاد و منطبق بر انعکاس منافع مختلف طبقاتی در درون شان بوده است. " زحمت " اینرا همی بیند و اینرا تحلیل ها هیچگاه هم نخواهد دید. انتخابی با ریاست جمهوری. قبل از آنکه نکست روحانیب باشد. نکست تز " روحانیب واحد " است و اینرا " زحمت " هنوز نپذیرفته است. آنها در رزایی از ایس انتخابی در مقوله ای زیر عنوان " مروری بر انتخابات " ( زحمت " شماره ۱۲ ، بهمن ۱۳۵۸ ) با ناساوری میبویسد. با اسباب سی صدری عسوان اولیسی ریاست جمهوری اسلامی ایران ، نظام حکومتی جدیدی ، که با این تاریخ در دنیا وجود نداشته است ، بدعت گذارده شد. جمهوری در چا ر چوب یک رژیم خود سالا ریاست ولایت معسبی ! طلیبه ورشیس جمهور با هم. " بس بزعم " زحمت " ما با یک " نظام حکومتی جدید " . که تا این تاریخ در دنیا وجود نداشته است " روبرو هستیم. " زحمت " درماندگی خود را میخواهد با اختراع یک " نظام حکومتی جدید " جبران و تسکین نماید ، حال آنکه اگر از تحلیل های من در آوردیشان در مورد " روحانیب واحد " و مثالیم دست بردار نشد ، خواهند دید که ما هیچ چیز جدیدی روبرو نیستیم و نظام حکومتی فعلی ، نه تنها جدید نیست ، بلکه نسخه اسلامی همان ریمها بی است که در بسیاری از کشورهای سه قاره بوجود آمده اند و مضمونی بورژوا ملیسی. ملاکی داشته ، نشا نگرا ائتلاف و سازش شکننده و نا پایدار روبروهای متضاد طبقاتی است. " زحمت " شکل حکومتی را با اکثر ازمضمون طبقاتی این حکومت میداند و آنجا که روحانیب را در مجموع واحد و فئودالی میداند ، ما در بیست موجودیت یک رئیس جمهور بورروائی را تحلیل نمایم و آنرا

« بسمه تعالی »

انحلال شوراهای و اخراج پرسنل انقلابی و مبارز ارتش بنفع چه کسانی است ؟

در مورخه ۲۸، ۲۹، ۳۰ تلی به شماره های شماره ۳۳۰۰۰۰۰۰۰۰ به امضاء بهمن شاهپور تحت عنوان انحلال شوراهای ارتش به تمام پرتوهای مسلح جمهوری اسلامی ابلاغ گردیده است و همزمان با آن درینا اخراج عناصر حائل در ارتش تعداد زیادی از عناصر آگاه انقلابی در آن توجه به سرویشت آنان مشمول تصدیه با تسلیح پاک کردن قرار داده اند. البته این شوال پیش میآید که آیا تصدیه در ارتش را باید از ان حائل آگاهان آگاهان قرار داد و شوال در ارتش قرار داد شریک کرد یا از قضاوت تحت ستم وزیر دست ارتش حائل بر ملت مسلمان و آگاهان که با محنت محترم بهمان امیرالیم چون " ارتضاح " ملی گوینده و دستهای آلوده به حیانتها از یار و قلم نبوده اند روشن است که این نقشه شوم و طولی امیرالیم در اصل و ستم به آن میباشد تا ارتش را بر مغزهای آگاه و دیندار به کریمی از نا آگاهان که هدفی جز دریافت حقوق و تسامح خنده پنداش. خیره خیره با بار بار بار بار بار بار بار بار بار بار که ادامه شده از این ستم ، در اسیر کرب خلقها در دست مافوق حاکمان با نشان استهانه نشسته ایرا برده های آگاه دیگر هرگز رو در روی ملت اعتراض ایستاد و مدتها تک پستی از دلایل اخراج این ستم به همین مسئله میباشد. لذا پرسنل انقلابی ارتش تنها انتقادش از ملت این است که فریب تقیضات در زمین این دولت گران امیرالیم ، با همه رده ها و سواران و خدمتگزاران ، نهمان ، و با هر نوع اعتراض دیگری که از جانب پرسنل انقلابی ارتش پدید میآید ، مشغول حواشیهای رفاه با مادی نیست بلکه هدف سید نه آزادیهای بزرگ ملی و تشکیل ارتش مردم و سواران و در جهت حفظ حاکم استهانه های سیاسی و منافع نژادهای مستعربان و حاکمان حاکم میباشد. بدین لحاظ ما پرسنل انقلابی ارتش تنها سیدان بخوابسته های نظامی و برخی خود که مفران و منافع ملت میباشد ایستادند و مبارزه را در راه ایجاد یک ارتش اسلامی مردمی ادامه خواهیم داد.

خواسته های خود را شرح زیر اعلام میداریم :

- ۱- عدم انحلال شوراهای و ایجاد شوراهای واقعی در سطح ارتش.
- ۲- بشکری از اخراج پرسنل انقلابی ارتش.
- ۳- پاکسازی فرماندهان و عناصر وابسته در ارتش.
- ۴- پشیمانی از اقدام پرسنل انقلابی و مبارز نیروی هوایی در ایران و دریای و سواحل.
- ۵- عدم ایجاد هر گونه دانه اطلاعاتی و ضد اطلاعات و دستنماهای تقیضی عقاید در ارتش.

مرکز بر امیرالیم جهانی      مرکز پرسنل ارتش و دریای و سواحل  
 درود بر نظامیانی که تحت هیچ شرایطی بروی خلقهای خود آتش نمی کشند

تروهی از پرسنل انقلابی نیروی دریایی ملی جمهوری اسلامی ( پایگاه دریایی خرمنبر )

" نظام حکومتی جدید " ی میداند که " تا این تاریخ در دنیا وجود نداشته است. " این " سواوری " کوششی است برای رها شیی از ورنکستگی تز " روحانیب واحد " و رزایی های " زحمت " از آرایسی طبقاتی هیئت حاکمه و مطمئنا سردا که مجلسی با ترکیبی منطبق با ترس کیب نا همگون همین هیئت حاکمه بوجود آید ، اینان یک نکته " جدید " دیگر هم " کشف " خواهند کرد و " نظام حکومتی " جدیدی را به گنجینه دستاوردهای به اصطلاح مارکسیستی شان خواهد افزود و استغلا رهمدارند که نشان جانسی در کنار رتکار مل دهدگان ما رکیسیم مرا رکیب دو بهمراه نظام ماب حکومتی برده داری ، فئودالی ، نیمه مئودالی ، سرمایه داری و سوسیالیسی ، نظام حکومتی جدیدی که با حال در دنیا وجود داشته و ایس حضرات مومی به کشف آن سده اند حا کیرد ، آرزو بر جوانان عیب نیست. گفتم " زحمت " تز " روحانیب واحد " راهوز پذیرفته لکن آنها در

همس مقاله ، سادده برای روحانیب ایران دو جناح " فوئالی " و " حسانی " قائل شده اند. لکن هنوز مشخص نگردیده اند که مضمونهای طبقاتی جناح فوئالی و تحتانی چیست و هر کدام منحا پندیده چه جریانی میباید شد و به هر یک چه بر خوردی باید صورت گیرد و اختلاف این دو جناح در چیست و اصلا چرا آن " روحانیب واحد " به دو جناح غیر و احد تقسیم شده است و چرا آن موقع " واحد " بود و امروز نیست. ما منظریم تا رفعا جواب این سئوال را برآید و بدهند و هم آن " نظام حکومتی جدید " که تا به حال در دنیا وجود داشته و هم ایس جناح بندی های متضاد اصلی را جناح " روحانیب " را برای جنبش ماروین نمایند و کویید که تحلیلی ای کنونی شان ، منطبق با تحلیلی ای یک ماه قبل شان است و یادآوری آنها تغییر داده اند و دلیل این تغییر را توضیح دهند و بگویند که کجا میکند دست است و اگر هر دو صحیح میباشد ، چه عواملی آن " روحانیب واحد " را به این " روحانیب غیر واحد " تبدیل کرد. امیدواریم رفعا انظما رات مسارایی جواب بگذارند .



# حقیقت

سخنی با شریه ...

منافع سیاسی - طبقاتی شان از کاندیداهای مختلف پشتیبانی کردند. نمود در حال انتخاباتی رودروی یک دیگر صرف سدی کردند، حبیبی، روحانیون منتسب به جمهوری اسلامی را با خود داشت، سنی صدر "حامی" روحانیت "برخی از سپرها، جناحی از مدرسین حوزه علمیه و برخی از نزدیکان امام را، مدنی مراجع تقلید در سیستان و بلوچستان و بعضا خراسان را و طبایطی نیز چند آیت الله و حجت الاسلام و ابستان به موسی صدر را بدین حال خود مصدق کرده بود. در مقابل چشم نابا و معتقدین نیز "روحانیت واحد" و "کاست" و امثالهم، اجزای این "روحانیت واحد" هر کدام بسوی و در حمایت از کاندیدائی رفتند و با اینکا خودتیز "روحانیت واحد" را دود کرده هوا فرستادند و گروهی را نیز انگشت به دهان کردند و در برابر هر دو داران نیز "روحانیت واحد" یکی دیگر از "معجزات" این روحانیون به سمایش گذارده شد!

شریه "زحمت" که از جمله طرفداران پروپاقرص تز "روحانیت واحد" و "حکومت آخوندها" است، مثل از انتخابات جنین پیش بینی کرده بود: "روحانیون... شرکت سائیرین را هم در حکومت خود سعی کفر و صدیقا" بلکه سوحد" لغوی کرده... دبری نخواهد بود که سه دسال نارگان و پردی و بی صدر (ساکیدار ماس) که یک بیسک از عرس به سائیس آورده شده و سحمیب درجه دوم در حکومت لرلر یا فسد، مطب راده و دیگر عناصر "عیر روحانی" هیئت حاکمه سیر سیرل رسه سیداکسد، و شواهد سیر گواه این ادعا است. ("زحمت" شماره ۹۹)

انتخابات صورت نگیرد، بنی صدره تنها "از عرش" بائیس آورده نمیشود به "شخصیت درجه دوم" تنزل پیدا نمیکند، بلکه رئیس جمهوری شود و س از آن رئیس "شورای انقلاب" و بالاخره به فرمان خمینی، فرمانده کل قوا. عجبا! یک "غیر روحانی" در جمهوری اسلامی و بزعم "زحمت" "حکومت آخوندها"، هم رئیس جمهور میشود و هم رئیس "شورای

انقلاب" و فرمانده کل قوامی بنا - پند. بس "حکومت آخوندها" و "روحانیت واحد" چه شد؟ "کاست حکومتی" چه شد؟ "دیکتاتور" آخوندها "کجا رفت؟ آن "شواهدی" که "گواه" این "ادعا" بودند چه شدند؟

انتخاب بنی مدر و شکست تز "روحانیت واحد" گرچه میتواند سایی از بدشائسی "زحمت" باشد، لکن نشان دهنده چیز دیگری است. "زحمت" تا بحال چند شوگونی کرده که هیچ یک درست از آب در نیا مداند. زمانیکه دانشجویان مسلمان بیرو خط امام" بر علیه امیرانتظام جابوسی دست به امثالگری زدند، "زحمت" تحلیل و "بیشگونی" کرده که این دعوا، دعوائیست میان بهشتی روحا - سی و با زرگان عیر روحانی و همدت بهشتی از انفساء امیرانتظام موسارز - کان، زمین سازی برای بی اعتبار کردن اینها و خالی کردن میدان برای رئیس جمهور شدن خودش است. ("زحمت" شماره ۹۹). اما بعد وقتی بهشتی و شرکا بر علیه دانشجویان و افتخاری های آنها و در دفاع از "نهضت آزادی" برخاستند و اعلامیه هم صادر کردند و بهشتی هم املا کاندیدای ریاست جمهوری شد، همه این تحلیل ها و بیشگونی ها نیز بر با درفت و "زحمت" مانند "بیشگو - ثی" جدیدش در باره انتخابات ریاست جمهوری که آنها دیدیم چه به سرش آمد. از این دونموه لا قلمی - توان نتیجه گرفت که زحمتی ها پیش - گویای خوبی نیستند و بهتر است سخت خود را در کسب و کار دیگری بیا زایند، لکن اگر بخوایم نتیجه گیری را همین جا تمام کنیم، مطمئنا حق مطلب را ادا نکرده ایم، بلکه مهمتر آنست که بفهمیم چرا "زحمت" بیشگوی خوبی نیست.

تحلیل صحیح از رویدادهای و وقایع حامی، مستلزم تحلیل صحیحی از اوضاع عمومی جامعه، صف بندی و آرایش نیروهای طبقاتی، ماهیت و جناح بندی های هیئت حاکمه، تضاد های اساسی جامعه و وظایف انقلاب و نیروهای انقلابی است. کمونیست ها موظف به هدایت خلق هستند و از این رو باید بتوانند با تحلیل صحیح از مقولات بالا، بر روندهای جامعه مسلط شوند و مردم را در پیچ و خم های این مسیر هدایت نمایند. آنکس که تحلیل صحیحی نداشته باشد، مطمئنا نخواهد توانست توده ها را هدایت کند و در نهایت آنها را به کوره

راه وی بسبب منحرف خواهد ساخت و "زحمت" از این جمله است. آنها شناخت درستی از اوضاع عمومی جامعه، صف بندی و آرایش نیروهای طبقاتی، ماهیت جناح بندی های هیئت حاکمه و تضاد های اساسی و وظایف انقلاب و نیروهای انقلابی ندارند. تصویری یکسبب انحرافی از این مسائل در مقابل خود رسم کرده اند و در نتیجه معلوم است که تکلیف بیس - گوئی های که برای مبسبب صورت گیرد، چه خواهد بود.

"زحمت" هیئت حاکمه کونوی را یکسبب صد انقلابی دانسه، قادر به تشخیص منافع و جایگاه متضاد و متضاد در این هیئت حاکمه و تفکیک میان این نیروها که هر یک در بر خورده تضاد های جامعه، جایگاهی متفاوت دارند نیست و در نتیجه هر مبارزه ای در درون این هیئت حاکمه را "توطئه" و حربه مشترک این نیروها برای تحمیل خلق و تنبیت موقعیت مجموعه هیئت حاکمه می ستاند. از اینرو آنها مبارزه "فدا میریالیستی" دانستند. جویان مسلمان بیرو خط امام "را" "توطئه" و "ها هو" بنیاد شه، قادر به دادن نقش نیروهای که از درون همین هیئت حاکمه پشتیبان آنها هستند نمی باشند و همه را به یک جوب میزنند. بدین ترتیب آنها در برخورد به این مبارزه "فدا میریالیستی"، که جایگاه مهمی در مبارزه عمومی مردم ما دارد، موضعی ترسکستی اتخاذ کرده، در صف مخالفین مبارزه ضد امیریا لیستی مردم ما قرار میگیرند. آنها از آنجا نیکه، این مبارزه را "مبارزه واقعی" نمی دانند، مدتهاست که "بیشگونی" خاتمه آنرا کرده اند، و فرمان اخیر خمینی مبنی بر واگذار کردن تصمیم گیری در مورد گروهکانه به مجلس شورا، این پیشگویی را نیز به مخاطره انداخته است.

"زحمت" روحانیت ایران را یک "روحانیت واحد" می پندارد که در بی استقرار "حکومت آخوندها" است. آنها برای با ورنده منافع مشترک جامعه روحانیت ایران، بر نرا از منافع طبقاتی مختلف منعکس در همین جامعه است و در نتیجه همه چیز را از زاویه تضاد میان "روحانیت" با غیر روحانی و یا انقلابیون و امثالهمی بینند و قاع در نیستند صف بندی واقعی طبقاتی موجود در جامعه ما، که روحانیون را نیز به گروه بندی های گوناگون تقسیم کرده است به - بینند و با مضمون تضاد میان این

گروه بندی ها که تضاد میان گروه بندی های طبقاتی جامعه مربوط است دریا بند. از اینرو در صف بندی طبقاتی جامعه، صف واحدی برای "روحانیت" قائل شده، حرکت سیاسی و طبقاتی یکسانی را از آنها انتظار دارند. بدیده "زحمت" از آنجا که منافع واحدی حون خمیس و ذکاب و موقوفات و معققات مذهبی روحانیون را یکسبب مربوط میکند، در نتیجه حرکت اصلی آنها در جامعه به تابعی از انعکاس منافع طبقات مختلف و افتار مختلف در این ششر، بلکه تابعی از این منافع مشترک میباشد. آنها امسبارا و حقوقی سلب سی روحانیون را بر تار ما صخ طبقاتی متضاد و متضاد منعکس در میان آنها میداند و از اینرو فکسر میکنند که حرکت سیاسی روحانیون در اساس در دفاع از این امسبارا و حقوق سیاسی - اقتصادی مشترک بوده، خواهان برراری حکومتی منطبق با این حقوق و امسبارا است. مشترک میباشد. "زحمت" در نمی یابد که روحانیت، علیرغم آنکه دارای امتیازات و حقوقی مشترکی است، لکن چون هر بدیده "دیگری مهر" طبقاتی خورده، در کسب طبقاتی جامعه، به سعتوان یک بدیده واحد، بلکه در انطباق با تقسیم بندی طبقاتی درون خود، که انعکاسی از تقسیم بندی طبقاتی کل جامعه است عمل می نماید. انحراف "زحمت" صرفا یک انحراف تئوریک و آکا دمیک نیست، بلکه جناح دسال شود نتایج زیان بخش فراوان عملی به بار میآورد. مذهب در جامعه ما و در میان مردم نقش و جایگاه ویژه ای دارد و اکثریت توده های مردم بر این برچمبه مبارزه گسترده علیه رژیم شاه رو آورده اند. اینکه مذهب عامل اصلی و پیاپی ای مبارزه مردم علیه رژیم شاه و امیریا لیسم نبوده و بلکه منافع پامال شده اقتصاد و سیاسی مردم عامل اصلی بوده است، یک چیز است و اینکه این مبارزات تحت چهلوا و بیوشی صورت گرفته، یک چیز دیگریست. لکن آن کس به لوا و پوشش، که نقش مهم سیاسی در به حرکت در آوردن مردم ما داشته است، کمبها دهد و آنرا از محاسبات خود خارج نماید، نشان داده است که با مردم ما و مبارزات آنها سخت بیگانه است. اگر مذهب جنین نقشی داشته و برای مدتی طولانی نیز کماکان خواهد داشت، آنوقت شوجه به تیلور

سخنی با نشریه 'زحمت':

# شکست روحانیت یا شکست تر روحانیت واحد؟

سپروری سنی صدر در انتخابات ریاست جمهوری و شکست حیبی کا - ننددای مسرک " بهمت آزادی و حزب جمهوری اسلامی ، برای تمام کسانی که روحانیت ایران را " روحانیت واحد " دانسته و رژیم حاکم را رژیم " آخوندی " و " دیکتاتوری آخوند ها " و " فقیه " مبداء مصیبت

برگی شده است . بسیاری از روحان - نئون سرشاس و امام جمعه ها علنا مدافع حیبی بودند و مدرسی حوره " علمده هم به زدن سنیسی اروی موا داده بود ، لکن حیبی با قضا حبت سما مباحب وارکل آراء ریخته شده بیش ارجنده در مدیدست بناورد . روحا سیون مختلف برحبت سنده در صفحه ۱۹

# چگونه حاکم شرع اهواز آقای جنئی چماق بدستان را بسیج میکنند!

مردم مبار را اهواز! کارگران و زحمتکشان مبارز! دانشجویان و دانش آموزان!

اخیرا در رابطه با محض حق طلبانه " کارکنان سمانی اداره مهدیسی و ساختمان شرکت نفت " در " سین آفس " شرکت نفت اهواز که در پی مذاکرات و مکاتبات طولانی با مقامات شرکت نفت و به منظور تحقق دو خواست ، ۱- قطع رابطه ، بیما نکاران سرویس دهنده با شرکت ملی نفت ایران ( مهندسین مشاور ) ۲ - حذف کارکنان این قبیل بیما نکاران در شرکت ملی نفت ایران و بی نتیجه ماندن این مذاکرات ناگزیر به محض شدند . آقای جنئی حاکم شرع اهواز با دادن حکمی بدنام کننده خود را و اما مورث مذاکره

با " شورای کارکنان بیما نسی اداره مهدیسی و ساختمان " را می - دهند . در حکم آمده است که " کله حاسبه را مرور بسنجهای دها را رد کرده و به محض عریضه نویسی و صدور اطلاعیه خود ادا شده دهد ، مردا میکنی اسب مردم نگلیست شما را روشن کنید ، دیگر ا رنگی حی کله و نکا بیب دارید ."

آقای حاکم شرع جقدر واضح و روشن سخن میگویند . چه صراحت در خورتحسسی از خود بیرو ردا ده اند! و کارما را بسیار ساده کرده اند . نیازی به تذکر نیست که منظور از " مردم " که اینگونه ردیلاسه ارنماشان سهیره برداری میشود همان چماق بدستان معروف هستند . سنده در صفحه ۱۵

# گزارشی از مبارزات کارگران پیمانکاری های صنایع فولاد - اهواز

صایع فولاد شرح دهیم و مقص ها و کمبودهای آنرا تا آنجا که میبوسیم بیان دهیم . البته ذکر ما محرثیات مبارزه بسیار طولانی میشود .

مبارزه کارگران بیما نکاری - های صنایع فولاد مبارزه ای گسترده و با حدودی بیترقبه است که به همراه اهداف اقامت مادی ، خواستهای سیاسی و درمدر آن مبارزه " مدا میریالیستی قرار دارد . مبارزه در بیما نکاریهای فاسترویلر - بهران جنوب شروع شد ، زمانی که کارگران با خورشندنگه مراردا در بیما نکاری این شرکت با صایع فولادنا عیدما می شود و بعد از آن دیگر کارگران خود بخود خراجند . پس از انحلال شورای صدکارگری به اصطلاح زحمتکشان ( که در باره آن در " حقیقت " ۵۴ سنده در صفحه ۱۷

سعی میکنیم گوشه هایی از مبارزات کارگران بیما نکاریهای

# دوستان و دشمنان خود را بهتر بشناسیم!

برادران و خواهران کارگر:

یکسال از تپا مبارزانه مردم ایران میگذرد . در این روزها که همه ما زحمتکشان و بی چیزان سالروز فیا م را با اراده آهنین حویس در آما دگی هر چه بیشتر برای نبرد متحدانه و مسلحانه علیه آمریکا و حنا بسکار جشن گرفته و دستهای یکدیگر را میفشاریم ، لزوم ادا به انقلاب را همراه آن و بیشتر از گذشته لمس میکنیم . بجای این یکساله برای ما بسیار آموختنی و فراموش نشدنی است زیرا در این مدت ما دیدیم و شنیدیم و به ما ثابت شد که نه آن دولت موقت طرفدار آمریکا و جاسوس بیرونه این شورای انقلاب سازنگار و حامی جاسوسان بفرکر بر آوردخواست های بحق ما کارگران ، زحمتکشان و بی چیزان و روستا نشینان نیستند . همینطور بفرکر

سنده در صفحه ۱۵

در کارخانه چیت ممتاز چه میگردد؟ صفحه ۸

درباره توطئه گامیاران صفحه ۱۰